T.me/DaneshSad

درس هفدهم: سپیده دم

تو را «جنوب» نامیدم - ای که ردای حسین را بر دوش - و خورشید کربلا را در بر داری - ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی - ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برَین - پیوند خورده‌ای - ای سرزمینی کز خاکت - خوشه‌های گندم می روید - و پیامبران برمی خیزند.

قلمرو زبانی: ردا: لباس بلند، جلوباز و بی دکمه/ دوش: شانه / بر: کنار، آغوش / پیشه: شغل / برین: بالایین، برتر/ حذف فعل به قرینه لفظی: ردای حسین را بر دوش [داری.]

قلمرو ادبی: «ردای حسین را بر دوش داشتن»، «خورشید کربلا را در بر داشتن»: کنایه از ادامه دادن راه امام حسین (ع)/ خورشید کربلا: استعاره از امام حسین (ع)/ بر (حرف اضافه)، بر (آغوش): جناس همسان / تلمیح به واقعه جانسوز کربلا / ای سرخ گل...: تشخیص / گندم: نماد نعمت و حاصل‌خیزی

قلمرو فکری: تو را جنوب نامیدم – ای سرزمینی که در شهادت طلبی و مبارزه پیرو امام حسین(ع) هستی – و حقیقت کربلا در تو نهفته است – ای گُل سرخی که مشغول فداکاری هستی – ای انقلابِ زمینی که با انقلابِ آسمانی– متصل شده‌ای–ای سرزمینی که از خاک تو– مبارزان برمی خیزند–و پیغمبران را در خود پرورش داده‌ای.

تو را جنوب نامیدم - ای کشتی‌های صیّادی که مقاومت پیشه کرده‌اید -ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده‌ای -ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده‌اید - ای روزهای عاشورا!

قلمرو زبانی: صیادی: ماهیگیری

قلمرو ادبی: کشتی‌های صیّادی: مجاز از ماهیگیران و ملوانان / ای ماهی دریا..: تشخیص/ دفترهای شعری: مجاز از شاعران مقاومت / ای روزهای عاشورا: تلمیح به سخن معروف «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»

قلمرو فکری: تو را جنوب نامیدم – ای کِشتی های ماهی گیری که مشغول مقاومت هستید – و ای ماهیان دریا که مشغول مقاومتید–و ای دفترهای شعر مقاومت و ای روزهای همیشه عاشورا که در برابر دشمن مقاومت می کنید.

تو را جنوب نامیدم - تو را آبها و خوشه‌ها - و ستارهٔ غروب نامیدم - تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن - و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم - تو را انقلاب و شگفتی و تغییر نامیدم - تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم

قلمرو ادبی: آب: نماد پاکی/ستاره غروب: نماد امیدواری و آگاهی/ سپیده دم: نماد امیدواری / غروب، سپیده دم: تضاد

قلمرو فکری: تو را جنوب نامیدم – تو را به دلیل پاکی، آب نامیدم و به دلیل بابرکت بودن، خوشه های گندم نامیدم/ تو در امید بخشی مانند ستاره غروب هستی / تو همانند صبحی هستی که به زودی طلوع خواهی کرد / تو کسی هستی که برای شهادت شور و شوق داری / تو را دگرگونی و حیرت و تغییر نامیدم / تو را پاک و پاکیزه و ارزشمند و توانا نامیدم.

تو را جنوب نامیدم - ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران - ای مسافر دیرین بر روی خار و درد - ای چون ستاره، فروزان - ای چون

T.me/DaneshSad

شمشیر، درخشان - بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست - بگذار گرد و خاک قدمهایت را برگیریم.

قلمرو زبانی: برآمده: رشد کرده / دیرین: کهن / فروزان: درخشان

قلمرو ادبی: «چون سبزه برآمده»، « چون ستاره فروزان»؛ «چون شمشیر درخشان»: تشبیه / دفتر روزگاران: اضافه تشبیهی / مسافر دیرین: استعاره از میهن / بر روی خار و درد بودن: کنایه از در رنج و دشواری بودن / بوسه زدن: کنایه از بزرگ داشتن، احترام گذاشتن / گرد و خاک چیزی را برگرفتن: کنایه از گرامی داشتن

قلمرو فکری: تو را جنوب نامیدم – ای سرزمینی که مانند سبزه از میان دفتر زمان روییده ای – و ای سرزمینی که مانند مسافر قدیمی، دشواری و رنج به همراه داری– ای سرزمینی که مانند ستاره روشن هستی – و مانند شمشیر می‌درخشی– بگذار به شمشیری که در دستان توست ادای احترام کنیم–بگذار گرد و خاک پاهای تو را پاک کنیم.

ای سرور باران‌ها و فصل‌ها- تو را عطری نامیدم که در غنچه‌ها خانه دارد -تو را پرستو نامیدم -ای سرور سروران-ای برترین حماسه

قلمرو زبانی: سرور: سالار / حماسه: دلیری، نوعی از شعر که در آن از جنگ ها و دلاوری ها سخن می رود.

قلمرو ادبی: «تو را عطری نامیدم»، «تو را پرستو نامیدم»: تشبیه / سرور باران و فصل: اغراق / باران: نماد طراوت و رویش / فصل: نماد تغییر و دگرگونی / پرستو: نماد بشارت و آزادی

قلمرو فکری: ای آقا و پیشوای پاکی ها و طراوت ها و دگرگونی ها / تو را عَطری می نامم که در میان غنچه‌ها نهفته است / تو را پرستوی پیام آور بشارت وآزادی نامیدم/ ای پیشوای پیشوایان / ای برترین شکل دلاوری و شجاعت.

دریا متنی نیلگون است - که علی آن را می نویسد - و مریم هر شب، روی شنها - به انتظار مهدی می نشیند - و گل هایی را می چیند - که از انگشتان شهیدان می رویند.

قلمرو زبانی: نیلگون: آبی رنگ

قلمرو ادبی: دریا متنی نیلگون است: تشبیه

قلمرو فکری: دریا همچون متن کبود رنگی است که امام علی (ع)آن را نوشته و حضرت مریم هر شب روی شن‌های آن / منتظر ظهور مهدی عج می نشیند / و گل‌هایی را که از انگشتان شهیدان می رویند، می چیند.

تاریخ، روزی، روستای کوچکی را - از روستاهای جنوب به یاد خواهد آورد - که «معرکه» خوانده می شود. - روستایی که با «صدر»ش، با سینه اش - از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد.

قلمرو زبانی: شرافت: ارجمندی، باشرف بودن

قلمرو ادبی: تاریخ: مجاز از تاریخ نویسان / خاک: مجاز از سرزمین / معرکه: ایهام ←۱- میدان جنگ ۲- نام روستای معرکه زادگاه اجداد امام موسی صدر

قلمرو فکری: تاریخ روزی آن روستای کوچک – از روستاهای جنوب را به خاطر خواهد آورد – روستایی که «معرکه» نامیده می شود. – روستایی که با امام موسی صدرش و با تمام وجودش – از خاک شریفش و بزرگواری انسان دفاع می کند.

T.me/DaneshSad

سَرورم! ای سرور آزادگان! - در زمانهٔ سقوط و ویرانی - جز تو، کسی نمانده است - که در زندگی ما نخل و عِنَب و تاکستان بکارد - جز تو کسی نمانده است؛ - مگر تو! - مگر تو! - پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای!

قلمرو زبانی: تاکستان: باغ انگور ، باغی که در آن تاک کاشته باشند./ عنب: انگور

قلمرو ادبی: درهای امید و روشنایی: اضافه استعاری / نخل و عنب: نماد فراوانی و برکت/ نخل و عنب و تاکستان: مراعات نظیر

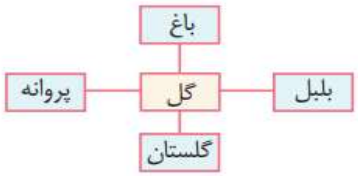
قلمرو فکری: ای سرور انسان‌های آزاده – در روزگار تباهی و فروپاشی شهرها – غیر از تو کسی نمانده است–که در زندگی ما سرسبزی و خرمی ایجاد کند و رونق و برکت دهد–تنها تو مانده ای– پس دوباره به ما امید و روشنایی ببخش.

کارگاه متن پژوهشی درس هفدهم

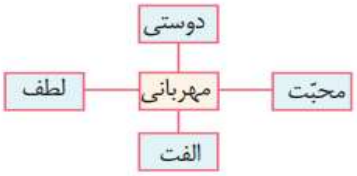
قلمرو زبانی

۱ به نمونه‌های زیر، توجّه کنید.

■ بر پایهٔ تناسب (همبستگی)



■ بر پایهٔ ترادف (هم‌معنایی)

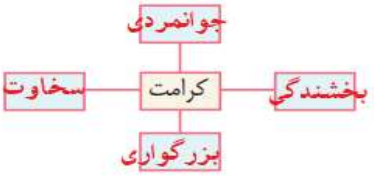


■ اکنون بر پایهٔ نمونه‌های داده شده، نمودارهای زیر را کامل کنید.

الف) تناسب



ب) ترادف



۲–از میان موارد زیر، ترکیب های وصفی و اضافی را جدا کنید؛ سپس، هسته هر یک را مشخص نمایید.

«ستارهٔ غروب، سرور آزادگان، مسافر دیرین، ماهی دریا، برترین حماسه»

- **ترکیب اضافی: ستاره غروب – سرور آزادگان – ماهی دریا**
- **ترکیب وصفی: مسافرین دیرین - برترین حماسه**

۳–در مصراع زیر، نقش دستوری اجزای مشخص شده را بنویسید.

«پس، درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای»

- **در: مفعول امید: مضاف الیه روی: متمم ما: مضاف الیه**

T.me/DaneshSad

قلمرو ادبی

۱–مصراع های زیر را با توجه به آرایه های «تشخیص، کنایه و تشبیه» بررسی کنید.

ای چون سبزه بر آمده از دفتر روزگاران

ای چون سبزه برآمده : تشبیه - دفتر روزگان: اضافه تشبیهی

ای کشتی های صیادی که مقاومت پیشه کرده اید!

تشخیص: کشتی را مانند یک انسان خطاب قرار داده است.

بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست.

بوسه زدن : کنایه از احترام و ستایش

۲–کدام واژهٔ مشخص شده، « استعاره» به شمار می آید؟ مفهوم آن را بنویسید.

« ای مسافر دیرین بر روی خار و درد/ ای چون ستاره، فروزان»

خار : استعاره از رنج و سختی

۳–شاعر، « باران ها» و « فصل ها» را در کدام مفاهیم نمادین به کار برده است؟

باران : نماد طراوت و پاکی فصل: نماد تغییر و دگرگونی

٤–کاربرد مناسب شبکه معنایی، در شعر و نثر، ضمن آنکه به تداعی معانی کمک می‌کند، سبب زیبایی و دلنشینی سخن می شود و آرایه «مراعات نظیر» را پدید می آورد ؛ مثال:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری سعدی

از متن درس، دو نمونه مراعات نظیر بیابید.

الف) ای کشتی‌های صیّادی که مقاومت پیشه کرده‌اید - ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده‌ای - ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده‌اید.

ب) در زندگی ما نخل و عنَب و تاکستان بکارد.

قلمرو فکری

۱–دریافت خود را از سرودهٔ زیر بنویسید.

« تو را جنوب نامیدم /...../ ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین/ پیوند خورده ای)

شاعر، انقلابِ مردم جنوب لبنان را حرکتی ریشه‌دار و مردمی نشان می‌دهد که با ایمان و آرمان‌های الهی پیوند یافته است. این اتحاد آن را به نیرویی معنوی و جاودان تبدیل کرده است.

۲–در سروده زیر:

« ای سرزمینی کز خاکت/ خوشه های گندم می روید/ و پیامبران برمی خیزند»

الف) کدام سرزمین مورد خطاب است؟ **جنوب لبنان**

ب) مقصود شاعر از مصراعهای دوم و سوم چیست؟

مقصود شاعر از «خوشه‌های گندم می‌روید» حاصل‌خیزی زمین ها و وفور نعمت در جنوب لبنان است، و منظور از «پیامبران برمی‌خیزند» تقدس، معنویت و جایگاه والای این سرزمین است.

T.me/DaneshSad

۳-از متن درس، مصراعی را معادل معنایی قسمت مشخص شده بیابید.

«تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن/ و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم»

➢ **ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی**

٤-قبانی در این بخش از شعرش بر چه نکته ای تأکید دارد؟

«ای که ردای حسین بر دوش داری/ و خورشید کربلا را در برداری ...»

➢ **بر پیوند عمیق جنوب لبنان با روحیه مقاومت، فداکاری و معنویت حماسه عاشورا تأکید دارد. او این سرزمین را به‌عنوان ادامه‌دهنده راه امام حسین (ع) و ارزش‌های والای کربلا معرفی می‌کند.**

گنج حکمت: مزار شاعر

تیمور لنگ، گاه سوار بر اسبی که لگامی زرین داشت سرگرم - اندیشه های دور و دراز خود- از میدان جنگ به گورستان می رفت و از اسب پیاده می شد و تنها در میان قبرها به گردش می پرداخت و هرگاه بر مزار یکی از نیاکان خود یا شاعری بزرگ، سرداری دلاور و دانشمندی نامدار می گذشت، سر فرود می آورد و مزار او را می بوسید. تیمور، پس از آنکه شهر توس را گشود، فرمان داد که از کشتار مردم آن دست بردارند؛ زیرا فردوسی، شاعر ایرانی، روزگار خود را در آن به سر برده بود. آنگاه تیمور بر سر مزار او شتافت و چون جذبه های اسرار آمیز او را به سوی فردوسی می کشید، خواست که قبرش را بگشایند: «مزار شاعر غرق در گل بود». تیمور در اندیشه شد که پس از مرگ، مزار کشورگشایی چون او چگونه خواهد بود. پس، از راه قره قوم به سوی تاتار - آنجا که نیای بزرگش، چنگیز، در معبدی آهنین آرمیده است- روی آورد. در برابر زائر نامدار که زانو بر زمین زده و سر فرود آورده بود، سنگ بزرگی را که بر گور فاتح چین نهاده بودند، برداشتند؛ ولی تیمور ناگهان بر خود لرزید و روی بگرداند: «گور ستمگر غرق در خون بود».

«فرانسوا کوپه»

قلمرو زبانی: لِگام: دهنه، افسار / زرّین: طلایی (صفت بیانی نسبی) / نیا: جد، پدربزرگ / نامدار: معروف / شاعر ایرانی: بدل فردوسی / چنگیز: بدل / آهنین: صفت بیانی نسبی / آرمیدن: آسودن، خوابیدن / زائر: زیارت کننده

قلمرو ادبی: سرگرم بودن: کنایه از مشغول بودن / سر فرود آوردن کنایه از: احترام گذاشتن / گشودن توس: کنایه از فتح کردن یا تصرف کردن / دست برداشتن: ترک کردن، منصرف شدن / غرق چیزی بودن: سرشار از چیزی بودن / بر خود لرزیدن: ترس و اضطراب / به سر بردن: کنایه از زندگی کردن / در معبد آرمیدن: کنایه از دفن شدن

قلمرو فکری: مضمون حکایت: اعمال و رفتار انسان ها بازتاب دارند و به خود افراد برمی گردند. اثر این اعمال چه نیک و چه بد حتی بعد از مرگ فرد نیز باقی می ماند.